

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ارسالی سایت : گزارشگران

۰۱ اپریل ۲۰۱۹

سخن روز گزارشگران از بهنام چنگائی:

جان، مال و کشورمان در زیر آوار دین دولتی

دامنه و گستره نارسائی های امروز چنان است که تنها برای خرید شکر باید ساعت ها در صف ایستاد. حالا بگذریم که برای دوا و درمان و گوشت و ... که جزو رویاها شده اند نیازمندان چه مصیبت ها که می باید برایشان متحمل شوند.



اگر هجوم ناگهانی سیل به جان و مال مان را ویرانگر بدانیم که هست و بشدت نیز خرابکار، آنگاه پیش از همه باید از رهبر جهان اسلام و کارچاق کن سران کاسبکار سپاه پاسداران پرسید که آنها در برابر این پدیده هولناک که بارها مردم و کشور ما را غافلگیر کرده، چه ستراتیژیها و راهکارهایی علمی و تخصصی تاکنون یافته و به کار برده

اند؟ فاجعه سه استان سیل زده کشور در این چندروز نشان از درماندگی رژیم می دهد که همچنان برای هدایت آبراه ها و سیل های چینی هیچ کارکرد و پیشگیری پایه ئی نداشته و از ریز تا درشت سران استبداد مذهبی، همگی همچون همیشه سرگرم زد و بند فرقه ئی مافیائی، و چپاول جان و مال مردمند. وگرنه، در سطح جهان برای این فاجعه هراسناک راه های حل پیشرفته ای وجود دارد که این خودکامان مردمفریب می توانستند از دانش بشری فراگرفته و به کاربرند؛ نه که نبرده اند بل مسیر آبراه ها را سد زده و بسته اند و در فاصله وقوع این فاجعه جسته و گریخته پیرامون رویداد سیل و بسته بودن مسیرها و لایروبی نشدن مسیر سیل پاسخی های زیر شنیده ایم:

میثم جعفرزاده، مدیرکل دفتر مدیریت بحران و دفاع غیرعامل وزارت نیرو علت سیل دروازه قرآن شیراز را "مسدود کردن یکی از مسیرهای قدیمی شهر شیراز" دانست، وی همچنین گفته: سیل به دلیل طغیان رودخانه نبوده است و در همین رابطه می افزاید: (علی رغم این که سال هاست وزارت نیرو تأکید دارد که نباید به حریم رودخانه ها تجاوز شود، گاهی به خاطر خشکسالی های پیوسته، آن مسیر تبدیل به پارکینگ یا بلوار شده است اما با این وجود سیلاب مسیر خود را پیدا می کند. پرسیدنی ست! چرا مسیر آبراه های کشور و به ویژه در همین سه استان سیل گرفته را با ساخت و سازهای محکم سدبندی نکرده اند؟ مگر نمی گویند که سیلاب مسیر خود را پیدایمی کند و البته هم درست است؛ اما چرا

دارائی های کشور هزینه این مسیر سیلاب ها نمی شود؟! ما پاسخی درخور از رهبر گرفته تا جعفری ها نداشته و نخواهیم داشت؛ چون اهداف آنها سرکردگی جنگ جهانی شیعی علیه سنی ست نه رفاه زندگی، تأمین جان و مال مردم! بیاورید باهم راه دور نرویم و استبداد مذهبی را از آغاز تاکنون مرور کوتاه کرده و از رهبر، سران قواء و کلیت استبداد دین دولتی یکجا بپرسیم که نظام شان در این چهل سال که مطلقاً اراده سیاسی و اقتصادی و... کشور زیر سلطه بی کم و کاست خودداشته اند، با توجه به درآمد هنگفت نفت آنان چه کار مفیدی برای بهزیستی و خوشبختی مردم پاکبخته ما کرده اند؟ اگر سیل ویرانگر است، با نگاهی به گذشته تا هم اکنون استبداد ولائی، خواهیم دید که این رژیم خودکامه به جان و مال و هستی ما جز به سان اشکال "سیل" ها یا همان "نفس ویرانگری" ها را به ارمغان نیاورده است. و کمتر کسی ست که از این قوم و فرقه ضدبشری تجربه تلخ و خونینی ندیده و نجشیده باشد.

به یادآوریم سیل ترورهای فردای شکست انقلاب را که خمینی در قانون شکنی قضائی اش و بنا بر ضرورت انتقامگرایی اسلامی آن را با درندگی به حقوق بشر آغازکرد و جنون خلخالی در اجرای اعدام های کیلویی که از سران دستگاه شاه فراری شروع و برپا شد، کشتار برنامه ریزی شده را سرلوحه حکومت مذهبی قرارداد، تا گلوی فریاد ببرد. و سپس عادی شدن شکنجه، شلاق، سنگسار، مثله کردن و جزای مرگ یا قتل عمد دولتی جاری شد، و جرأت و تبلیغ و ادامه اعدام های وحشتناک خیابانی از قربانیان نظام تا به امروز ادامه دارد. فراموش نکنیم سیل جنگ ویرانگر ایران و عراق را با بیش از دومیلیون قربانی و مفقود و غلیل، و تباهی میلیاردها دالر ثروت هردو کشور ویران شده مسلمان که همان پول های سوخته می توانست به کار سدبندی ها دیروز و امروز رود که نرفت. سیل فرار مغزها و نیروهای مردمی از ترس جان و تنها به دلیل مخالفت با نظام تکقطبی. سیل نسل کشی های ۶۰ و ۶۷ که بسیاری با یک بله و یا نه به جوخه های مرگ سپرده شدند. سیل ظالمانه و ویرانگر زن ستیزی و پامالی حقوق برابر زن و مرد و سرکوب بی امان حقوق شهروندی مستقل و نابودی کامل آزادی های زنان. سیل خرافات خرد کش، سیل تربیت ملا و سنت ملانی در اعماق اجتماع، سیل دروغ، ریاکاری، طلاق، فحشاء، کودکان کار. سیل برتریجویی مذهبی و دشمنی افکنی اتنیکی که به مراتب هولناکتر از دوران شاهان خائن پهلوی و رواج یافت.

و هراسناکتر از گذشته وجود سیل بی وقفه اشکال مواد مخدر مرگبار که امروزه از نان خوردن ساده تر و آسان تر و ارزانتر در نظام الهی ولائی قابل دسترسی ست. سیل ارتجاع مذهبی، سیل صدها مرکز آموزش دادن طلبگی شیعی برای ده ها هزار جوان از کشورهای عمدتاً فقیر افریقا و آسیا، آنهم با پول مردم گرسنه ما. و همزمان سازماندهی سیستماتیک جنگ گروه های ولائی شیعی برابر خانواده فاسد و انگل سعودی سنی سلفی که همینک نیروهای دو قطب رودرروی همدن و آرامش و امنیت را در سراسر خاورمیانه تاخت زده و فضاء را برای دسیسه های امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بازگذاشته و آنها نیز در این بازی مرگبار بهترین بهانه ها و فرصت ها را برای هرچه ویرانترکردن ایران و خاورمیانه یافته اند. و اینک مردم ما دچار سیل باورنکردنی تحریم های مرگبار شده و زیر تیغ قاچاقچیان ولائی رفته و آنان هم بهترین فرجه غارت و چپاول و ویرانگری دار و ندارمان را یافته اند؛ و دامنه و گستره نارسائی های امروز چنان است که تنها برای خرید شکر باید ساعت ها در صف ایستاد. حالا بگزینیم که برای دوا و درمان و گوشت و ... که جزو رویاها شده اند نیازمندان چه مصیبت ها که می باید برایشان متحمل شوند.

بنابراین، زندگی کارگران، مردم زحمتکش و تنگدست در این ۴۰ سال سیاه همچنان پیگیر روی آتش دکانداران مذهبی سوخته و هنوز می سوزد. حالا چه در کمین اشکال سیل ها و ویرانی های مختلف فرهنگی، اخلاقی، سیاسی یا فاجعه بارترین آنها، سیل ویرانگر اقتصادی ست که عملاً پول کشور به کاغذ پاره ای بی ارزش بدل شده، و یا چه به دلیل جنگ ۸ ساله بی هوته گذشته و همینطور چه به خاطر دسیسه مالی با آوردن سپاه پاسداران به میدان اقتصاد و ایجاد

بازار سودبری میلیاردي باندها و مافياها اين و آنسو با ساختن سدهای بي کارشناسی علمی و تحقيقي و به تبع آن غلط و مرگبار، و بدتر از آن دخل و تصرف احمقانه در چارچوب محيط زیست و نابودسازی ساختار طبیعی کشور. يا همزمان تشويق جنگ مذهبی برای سرکردگی ارتجاع سنی - شيعی در منطقه و در سطح جهان برای پیروزی یکی از طرف های مدعی اسلام ناب محمدی آنهم با یک پیشینه ۱۴۰۰ ساله سراسر خونين!

و همه اين دلایل ویرانی ها، و همچنین تداوم بی وقفه جنگ قدرت و ثروت سران بی شرم اصلاحگر با اصولگرا، و ستیزهای هردوسوی حاکمیت برای ما، به سان همین سیل کنونی ست که علاوه بر کشتار مردم بی دفاع و بی یاور، همچنین به نابودی خانه و کشورشان هم انجامیده و آمدن ملاها و حاکمیت دین دولتی تاکنون معنائی جز ویرانگری نداشته و ندارد. امروزه فرومایگی رهبر و سرکردگان استبداد مذهبی در برابر خواست ابتدائی زندگی توده ها آشکارا روشن و رسواست و نیروی کار بیکار گرسنه و سرکوبشده بخوبی پی برده که بقای اين ساختار انگل برای شان حاصلی جز زیر آواررفتن بقایای جان و مال شان نخواهدبود. اشک تمساح رهبر برای مسخره و سرگرم کردن کارگران و مردم به جان آمده است تا دل آنها را به بیازی بگیرد که البته چندان کارگرنیست و هرازگاهی هم که برنده می شود؛ توانسته بهتر فریبکاری کند.

کارگران گرسنه و بیکار دیدند که رژیم چه بی رحمانه پیشروان کارگری و زنان فعال حقوق بشری و همسو با گارگران و زحمتکشان را سرکوب و زندانی کرده و اجازه حتی اعتراض مسالمتجویانه حقوقی صنفی به آنها نداده و نمی دهد و اغلب بسرعت، بسیاری را اسیر و شکنجه کردند و دیدیم که بساط آقا کوچکترین اعتراض مردمی را به ویژه آنگاه که سيل خروشان ۸۸ و ۹۷ پدیدارشد آقا تاب نیاورد و فرمان سرکوب کارگران مسلمان، بیکار و گرسنه را صادرکرد. در حالیکه همین رژیم ضدکارگر در منطقه و افریقا در تدارک و تجهیز نیروهای آدمخوار خویش بوده و پی شيعه پروری هست و هردو طیف مرتجع منطقه يعنی: (جبهه ولانی داعش شيعی در قالب حزب اللهی ها - و طالبان القاعده تا بوکوحرام و داعش سنی ها توسط خانواده سعودی) سازمانیافته و عملاً هردو به سان سيل ویرانگراند و نابودگر نان، پول، دوا، درمان و کاشانه همین کارگرانند که هردو نظام "سنی شيعی دار و ندار کارگران را در اين جنگ مذهبی خویش بارها دودهوا کرده و همچنان می کنند. به ویژه با سازماندهی سیستماتیک، مافياها و باندهای هردوسو، اينک به اشکال مختلف برای شعله ورتکردن جنگ مذهبی، دست به قاچاق سلاح های مرگبار برده، و آرامش و امنیت عمومی را نابودکرده اند و همین دیروز شنیدیم که امریکای جهانخوار تأییدکرده که می خواهد فن آوری هسته ئی به سعودی ها بدهد!

و از دیگرسو اين دو الگوی مذهبی همینک یمن را ویران کرده و بیش از بیست میلیون انسان و پیش از همه کودکان و زنان دچار نارسائی غذا و دارو هستند و در کمین مرگ. درست به سان ایران که می بینیم زندگی قریب به اتفاق کارگران، کارمندان، زحمتکشان و کارمندان دولتی و خصوصی، هستی شان به روز سیاه کشانده شده و در سراسر کشور تأمین نیازمندی های حیاتی چندان آسان ممکن نیست و بسیاری از لایه های خانه خرابه ای بسا ناگزیر به گدائی از شدت تنگدستی و گرسنگی اند. و پرسیدنی ست چرا؟ آیا پایانی برین سيل های ویرانگر دیکتاتوری مذهبی متصورنیست؟ چرا حق زندگی میلیون ها کارگر و مردم پاکبخته چنین به دست یک مشت آخوند واپسگرا، نادان و جاه طلب افتاده و هستی آنان به بازی مرگ کشانده شده است! اين خلاصه کوتاه که رفت حکایت از " آیت ها " و نشانه های نظام پلید و بیمار شيعی ولانی ست که آنها بدون نیاز به " سيل " و در اين ۴۰ سال توانسته اند کشور را ویران کنند، و جان و مال و هستی ما همچنان زیر آوارهای اين دینمداران کلاش گرفتارمانده است.

این ملایان با وجدان بی و با عمامه در سراسر زندگی دخالت مستقیم داشته و دارند و ما اما اراده ای آزاد و مستقل از آنها نداریم. زیرا برای ما طبق فرامین الهی خودشان، بخوان آخوندی حکم رانده، امر و نهی کرده و چندی انگیزتر این که اطاعت مطلق خواسته و با زور و سرکوب عریان به پیش می برند. هیچ سیلی به اندازه سیل دینمندی علیه خرد انسانمندی ویرانگر نبوده و اعتماد به نفس انسانی را به نابودی حقیقی نکشانده است. با این تفاوت که آنها واپسمانده اند و هرگز توان انطباق خود با زمانه و نیاز انسان امروزی را ندارند و همیشه به نام اصول خداوندی و بر یک سرنوشت ازلی و ابدی که مصلحت الهی آنها و نه ماست پای می کوبند و ما را می خواهند اجباراً مطیع سروری ارتجاعی خویش کنند.

آنها با نیرو های مسلح و امنیتی خویش که در این چهل سال برپاساخته اند قادر اند برای هرکسی کمین های الهی مرگبار بگذارند و برای کارگران، زنان و حقوق بشری های مدافع و پیشرو ما تله بگذارند و گذارده اند و هیچ کدام در برابر قانون زمینی و جهانشمول انسانی به هیچ کس پاسخگو نبوده و نیستند. اما همزمان همگی بهشت زمینی برای خود در کشور ما ساخته و نقش فریبده مذهب و ملا و خفقان و فقر از یکسو و استعداد پذیرش اجتماعی از گفته های آخوندها از دیگرسو شگفتا همچنان رل مسلط و ویرانگری برای تنگدستان و بیکاران و زحمتکشان دارد که به جرأت می توان که در ۴۰ سال گذشته هرجا "دین دولتی" در اجراء و یا انجام امری بدیهی ناتوانی داشته، آنها توانسته اند کمینی به نام حکمت خدا بر سر درخواست و اراده مردمی بگذارند، گذاشته و دردا پذیرفته شده اند؛ و پیوسته توانسته اند حق طبیعی مردم را بسادگی حذف و ضایع و یا به کام دله و سیری ناپذیر خویش سرکشند و کشیده اند.

جای گمان ندارد که کارگران و مردم بلالزده مذهبی بیدارتر شده و در زیر کمین های مذهبی کمتر گرفتار می شوند، و حالا با این تحریم ها منافع بربادرفته کارگری و مردم بی دادرس چنان دچار کمبود و نارسائی ست که آخوندها دیگر برایش چاره ای ندارند و از فردای این مصیبت ها و ناگوارائی ها بشدت وحشت دارند. کارگران به جان آمده و به پاخاسته دیگر بخوبی می دانند که هرجا فرجامی ویرانگر رخ داده، بازتاب آن نتیجه کارکرد غلط و از همینرو مسؤولیت مستقیم آن به عهده نظام ملائی ولائی بوده و همچون همین سیل کنونی، ویرانگری هایش بیش از همه متوجه تبهکاری، ناتوانی و خرابکاری آنهاست نه مشیت الهی که روحانی کلیدساز در سخنرانی بی شرمانه اش تحویل مردم ساده دل می دهد. همچون همیشه ما چاره ای جز سرنوشتی این نظام ویرانگر نداریم.

بهنام چنگائی ۹ فروردین [حمل] ۹۸